

تحلیله بر تأثیر نرخ ارز بر صادرات کشور

الناز باقرپور اسکویی^۱

چکیده

سال‌هاست که عده‌ای در اقتصاد ایران بر اساس یک‌سری تحلیل‌های مکانیکی، حسابداری یا استفاده از نظریات پایه مالی بین‌الملل و اقتصاد کلان (که در جای خود درست، اما مبتنی بر فروض خاص هستند) استدلال می‌کنند که اگر نرخ ارز بالا رود، صادرات افزایش می‌یابد، شتاب می‌گیرد و آثار آن مشکلات کلان اقتصادی را حل می‌کند، اما در سه دهه گذشته شاهد بودیم که با همین منطق ساده نرخ ارز بالا رفت، اما صادرات غیرنفتی شتاب نگرفت و از سطح کالاهای سنتی کشاورزی و محصولات اولیه پتروشیمی و میعانات گازی و خام‌فروشی‌های فلزی فراتر رفت. افزون‌بر محدودیت‌های فنی، محدودیت‌های ساختاری، نهادی و مدیریتی مانع تحقق شتاب صادرات شده است. از این‌رو برای ارتقا و شتاب صادرات باید ساختارهای پولی و مالی را شفاف کرد و دنباله‌رو بخش تولید قرار داد و فعالیت‌های بخش نامولد را محدود کرد. در این صورت است که فضای کسب‌وکار برای تولید کیفی آماده می‌شود. مسلماً در کنار این اقدامات، شکل‌گیری رقابت‌پذیری فنی، تدوین و اجرای راهبردهای تجاری و تولید کالاهای استاندارد با کیفیت بالا و قابل رقابت با تولیدات بین‌المللی لازم است. وقتی این امور محقق شد، علامت‌دهی قیمت‌ها به متغیرهای حقیقی از جمله علامت‌دهی نرخ ارز به صادرات غیرنفتی موضوعیت می‌یابد و فعال می‌شود.

واژگان کلیدی: نرخ ارز، صادرات غیرنفتی، اقتصاد ایران.

مقدمه

مقدار معینی کالا کسب می‌کنند که موجب می‌شود کالاهای صادراتی در داخل گران‌تر شود. همچنین، قیمت کالاهای غیرصادراتی نیز افزایش می‌یابد و از این طریق تولیدکنندگان این کالاها هم سود بیشتری به دست می‌آورند و در مجموع، تولید افزایش می‌یابد. عده‌ای هم معتقدند که به‌خاطر وابستگی تولید به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و مواد اولیه خارجی، افزایش نرخ ارز موجب افزایش صادرات غیرنفتی واقعی یا افزایش عمده آن نمی‌شود. هدف اصلی این مطالعه این است که نشان دهد آیا افزایش نرخ ارز می‌تواند به‌تنهایی صادرات

اساساً برای ارزیابی هر اقدام سیاستی علاجی و اصلاحی که در اقتصاد مطرح می‌شود، چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن متغیرهای اقتصادی ملاکی مهم به شمار می‌آید. تغییر قیمت نرخ ارز و سیاست‌های ارزی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در مورد صادرات، عده‌ای معتقدند که وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد، هم سود تولیدکنندگان کالاهای صادراتی و هم سود تولیدکنندگان کالاهای غیرصادراتی افزایش می‌یابد؛ زیرا تولیدکنندگان کالاهای صادراتی با افزایش نرخ ارز، دریافت ریالی بیشتری برای فروش

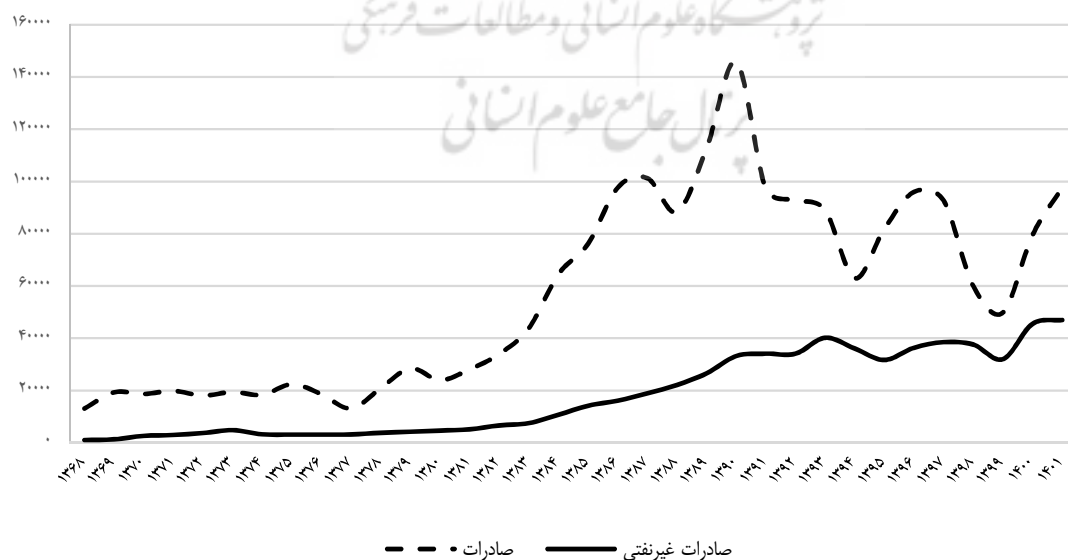
۱- جایگاه و مختصات صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران

پیش از تبیین وضعیت صادرات غیرنفتی، لازم است جایگاه صادرات غیرنفتی را در کل صادرات ایران مشخص کنیم. همان‌طور که در جدول و نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌شود، سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات بسیار کم است. در سال‌های اخیر این میزان تا حدودی افزایش یافته، اما به‌طور نسبی درصد کمی از صادرات کشور را به خود اختصاص داده است. از سویی صادرات نفت هم شرایط خاص خود را دارد و به‌طور عمده معلول عواملی است که برای اقتصاد ما حالت برونزا دارد. به بیان ساده‌تر، ایران در بازار جهانی قیمت‌پذیر است و تغییرات نرخ ارز هیچ تأثیری بر صادرات نفت ندارد. از این‌رو بررسی تغییر نرخ ارز بر صادرات باید به قلمرو صادرات غیرنفتی محدود شود.

غیرنفتی کشور را در مسیر رشد شتابان قرار دهد یا اینکه برای تحقق چنین موضوعی باید بسترهای فنی، مادی و نهادی آن را تأمین کرد؟ به‌طور کلی، در این مورد دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاهی مدعی است که تغییرات نرخ ارز به‌تنهایی کاستی‌های فنی، نهادی و ساختاری را جبران و تأمین می‌کند و صادرات را در مدار رشد شتابان قرار می‌دهد، اما دیدگاه دیگر مدعی است که پیش از توسل به تغییر قیمتی باید در قلمرو متغیرهای حقیقی کاری انجام داد و بسترهای فنی و مادی و رقابت‌پذیری را تأمین کرد.

در این پژوهش، ابتدا وضعیت صادرات غیرنفتی ایران در سال‌های گذشته تبیین و سپس روند صادرات غیرنفتی در دهه‌های اخیر و میزان تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی مشخص می‌شود و در نهایت، نتیجه‌گیری از مباحث و راهکارها در این‌باره پیشنهاد می‌شود.

نمودار ۱- صادرات کل و صادرات غیرنفتی - میلیون دلار (۱۴۰۱-۱۳۶۸)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲

گازی بوده است. دیگر اینکه، صادرات نفت به دلیل نوسانات قیمتی آن بسیار پرنوسان است، اما صادرات غیرنفتی گویی در دامی سطح پایین و مسیر انعطاف‌ناپذیری گرفتار آمده است. این در حالی است که ما برای ارتقای صادرات غیرنفتی و تأمین رقابت‌پذیری بازاری برای کالاهای صادراتی، چندین بار نرخ ارز را افزایش داده‌ایم.

این نمودار بیان‌کننده دو نکته است. یکی اینکه، عمده صادرات ما را نفت تشکیل می‌دهد و سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات بسیار اندک است. به نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر صادرات غیرنفتی از رشد خوبی برخوردار شده است، اما باید توجه داشت که بخش بسیار عمده این افزایش مرهون رشد فوق‌العاده صادرات محصولات پتروشیمی و میعانات

جدول ۱- صادرات کل، صادرات غیرنفتی و سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات
(میلیون دلار- درصد) (۱۴۰۱-۱۳۶۸)

سال	صادرات کل	صادرات غیرنفتی	سهم صادرات غیرنفتی	سال	صادرات کل	صادرات غیرنفتی	سهم صادرات غیرنفتی
۱۳۶۸	۱۳۰۸۱	۱۰۴۴	۷/۹	۱۳۸۵	۷۶۰۵۵	۱۴۱۷۸	۱۶/۵
۱۳۶۹	۱۹۳۰۵	۱۳۱۲	۶/۷	۱۳۸۶	۹۷۶۶۸	۱۶۱۰۰	۱۶/۴۸
۱۳۷۰	۱۸۶۶۱	۲۶۴۹	۱۴/۱۹	۱۳۸۷	۱۰۱۲۸۹	۱۸۸۸۶	۱۸/۶۴
۱۳۷۱	۱۹۸۶۸	۲۹۸۸	۱۵/۰۳	۱۳۸۸	۸۸۳۲۶	۲۲۱۳۶	۲۵/۹۴
۱۳۷۲	۱۸۰۸۰	۳۷۴۷	۲۰/۷	۱۳۸۹	۱۱۲۷۸۸	۲۶۵۹۴	۲۴/۴۴
۱۳۷۳	۱۹۴۳۹	۴۸۳۱	۲۴/۸۵	۱۳۹۰	۱۴۵۸۰۶	۳۳۱۸۳	۲۲/۷۵
۱۳۷۴	۱۸۳۶۰	۳۲۵۷	۱۷/۷۳	۱۳۹۱	۹۷۲۷۱	۳۴۱۲۲	۳۵/۰۷
۱۳۷۵	۲۲۳۹۱	۳۱۲۰	۱۳/۹۳	۱۳۹۲	۹۳۱۲۴	۳۴۰۷۷	۳۶/۶۷
۱۳۷۶	۱۸۲۸۱	۳۱۳۱	۱۶/۸۳	۱۳۹۳	۸۱۹۷۵	۴۰۲۰۱	۴۵/۱۸
۱۳۷۷	۱۳۱۱۸	۳۱۷۱	۲۴/۱۹	۱۳۹۴	۶۲۹۹۵	۳۶۰۴۶	۵۷/۲۲
۱۳۷۸	۲۱۰۳۰	۳۷۹۳	۱۷/۷۳	۱۳۹۵	۸۱۹۴۳	۳۱۷۰۳	۳۸/۶۸
۱۳۷۹	۲۸۴۶۱	۴۱۹۴	۱۳/۹۳	۱۳۹۶	۹۶۰۳۳	۳۶۳۶۰	۳۷/۸۶
۱۳۸۰	۲۳۹۰۴	۴۶۴۹	۱۶/۸۳	۱۳۹۷	۹۲۶۵۰	۳۸۵۱۱	۴۱/۵۶
۱۳۸۱	۲۸۲۳۷	۵۱۴۴	۲۴/۱۹	۱۳۹۸	۵۹۹۷۵	۳۷۶۱۰	۶۲/۷۱
۱۳۸۲	۳۹۹۹۱	۶۶۳۶	۱۸/۲۹	۱۳۹۹	۴۹۸۴۸	۳۱۹۹۷	۶۴/۱۹
۱۳۸۳	۴۳۸۵۲	۷۵۱۹	۱۹/۵۲	۱۴۰۰	۷۹۴۷۰	۴۵۴۹۷	۵۷/۲۵
۱۳۸۴	۶۴۳۶۶	۱۰۷۰۵	۱۷/۱۵	۱۴۰۱	۹۷۶۵۶	۴۶۹۹۶	۴۸/۱۲

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲

است که صادرات غیرنفتی از دام سطح پایین خود جدا نشده و در مسیر شتاب و رشد مستمر قرار نگرفته است. در واقع، اقتصاد با تنگناهای نهادی، فنی، مدیریتی، سیاسی و اجتماعی روبه‌روست. وجود منابع طبیعی

اعداد و ارقام جدول نشان‌دهنده این است که سهم صادرات غیرنفتی از سال ۱۳۷۰ به بعد افزایش یافته، اما در دو دهه گذشته این سهم در وضعیت افزایش‌یافته جدید هنوز پایین است. روند سهم یادشده گویای این

۲- روند صادرات غیرنفتی در دهه‌های اخیر
 همان‌طور که در نمودار و جدول شماره ۱ ملاحظه شد، در ده سال اخیر صادرات غیرنفتی کشور از رشد پذیرفتنی و درعین حال، محدود برخوردار بوده است. نکته گفتنی در اینجا این است که بخشی از افزایش صادرات غیرنفتی که آمارها نشان می‌دهد، مربوط به صادرات محصولات پتروشیمی و میعانات گازی است که جزو صادرات غیرنفتی طبقه‌بندی شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، سهم صادرات غیرنفتی واقعی کمتر از مقداری است که آمارها نشان می‌دهند.

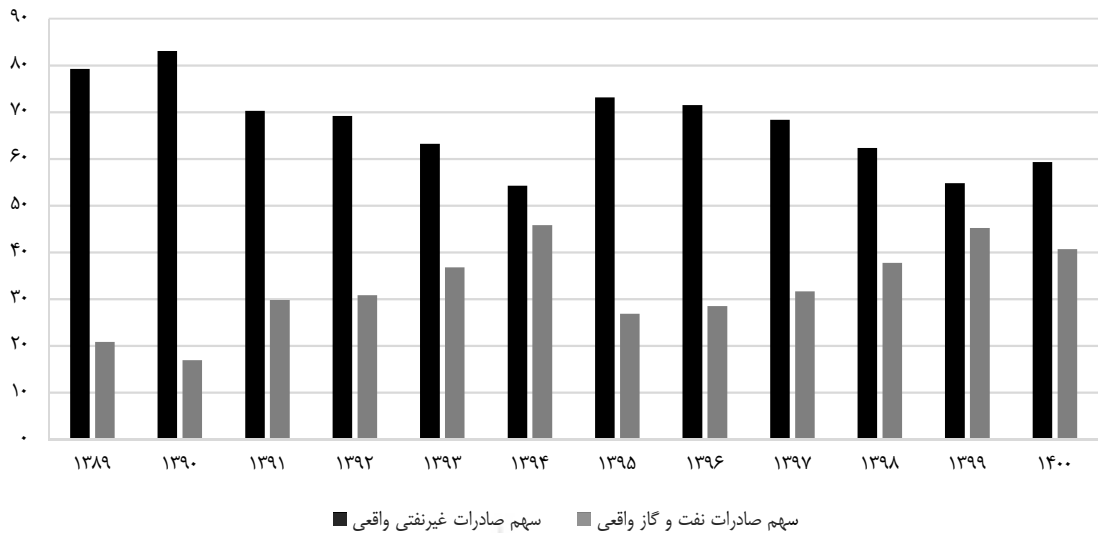
هم می‌تواند به برطرف کردن این موانع کمک کند و هم به تشدید آن‌ها دامن بزند. وقتی اقتصادی مانند ایران با منابع فراوان مواجه می‌شود، دو راه پیش رو دارد. نخست اینکه، این منابع را در راستای برطرف کردن محدودیت‌ها و ارتقای رشد به کار گیرد و دوم اینکه، این منابع را به‌عنوان رانت تلقی کند و با استفاده رانتی از آن‌ها، محدودیت‌های نهادی، سیاسی و اجتماعی را پیچیده‌تر کند. اگر رفتار در اقتصاد از نوع دوم باشد و روزی بخواهیم به رشد و توسعه کشور فکر کنیم و اقدامی برای آن انجام دهیم، کارمان بسیار مشکل‌تر و این مهم چه‌بسا دست‌نیافتنی باشد.

جدول ۲- صادرات کل و اجزای تشکیل‌دهنده آن (میلیون دلار- درصد) (۱۴۰۱-۱۳۸۹)

سال	صادرات	صادرات نفت و گاز	صادرات فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز	صادرات نفت و گاز واقعی	سهم صادرات نفت و گاز	سهم صادرات نفت و گاز واقعی	سهم صادرات غیرنفتی واقعی
۱۳۸۹	۱۱۲۷۸۸	۷۹۷۸۴	۶۲۶۸	۸۶۰۵۲	۷۳/۴	۷۹/۲	۲۰/۸
۱۳۹۰	۱۴۵۸۰۵	۱۱۲۶۲۲	۸۴۸۵	۱۲۱۱۰۷	۷۷/۲۴	۸۳/۰۶	۱۶/۹۳
۱۳۹۱	۹۷۲۷۱	۶۳۱۷۳	۵۱۴۹	۶۸۳۲۲	۶۴/۹۲	۷۰/۲۲	۲۹/۷۷
۱۳۹۲	۹۳۱۲۴	۵۸۸۳۲	۵۴۱۹	۶۴۲۵۱	۶۳/۳۲	۶۹/۱۵	۳۰/۸۴
۱۳۹۳	۸۸۹۷۵	۴۸۱۷۳	۷۴۶۵	۵۶۲۳۸	۵۴/۸۱	۶۳/۲۰	۳۶/۷۹
۱۳۹۴	۶۲۹۹۵	۲۶۹۴۸	۷۱۹۸	۳۴۱۴۶	۴۲/۷۷	۵۴/۲۰	۴۵/۷۹
۱۳۹۵	۸۱۹۴۳	۵۰۲۳۹	۹۶۸۶	۵۹۹۲۵	۶۱/۳۱	۷۳/۱۳	۲۶/۸۶
۱۳۹۶	۹۶۰۳۳	۵۹۶۷۳	۹۰۱۷	۶۸۶۹۰	۶۲/۱۳	۷۱/۵۲	۲۸/۴۷
۱۳۹۷	۹۲۶۵۰	۵۴۱۳۹	۹۱۸۴	۶۳۳۲۳	۵۸/۴۳	۶۸/۳۴	۳۱/۶۵
۱۳۹۸	۵۹۹۷۵	۲۲۳۶۴/۵۸	۱۴۹۹۸	۳۷۳۶۲	۳۷/۲۸	۶۲/۲۹	۳۷/۷۰
۱۳۹۹	۴۹۸۴۸	۱۷۸۵۰/۳۶	۹۵۰۶	۲۷۳۵۶	۳۵/۸	۵۴/۸	۴۵/۲
۱۴۰۰	۷۹۴۷۰	۳۳۹۷۳/۱۱	۱۳۱۶۰	۴۷۱۳۳	۴۲/۷	۵۹/۳	۴۰/۷
۱۴۰۱	۹۷۶۵۶	۵۵۴۱۰	۱۷۵۸۰	۷۲۹۹۰	۵۶/۷	۷۴/۷	۲۵/۳

مآخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲ و یافته‌های پژوهش.

نمودار ۲- سهم اجزای تشکیل دهنده صادرات کل (۱۳۸۹-۱۴۰۰)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲

نامطلوب صادرات یادشده دلالت نکند. ترکیب صادرات غیرنفتی هم در این خصوص تعیین کننده است. از این رو لازم است ترکیب صادرات غیرنفتی را هم مورد بررسی قرار دهیم.

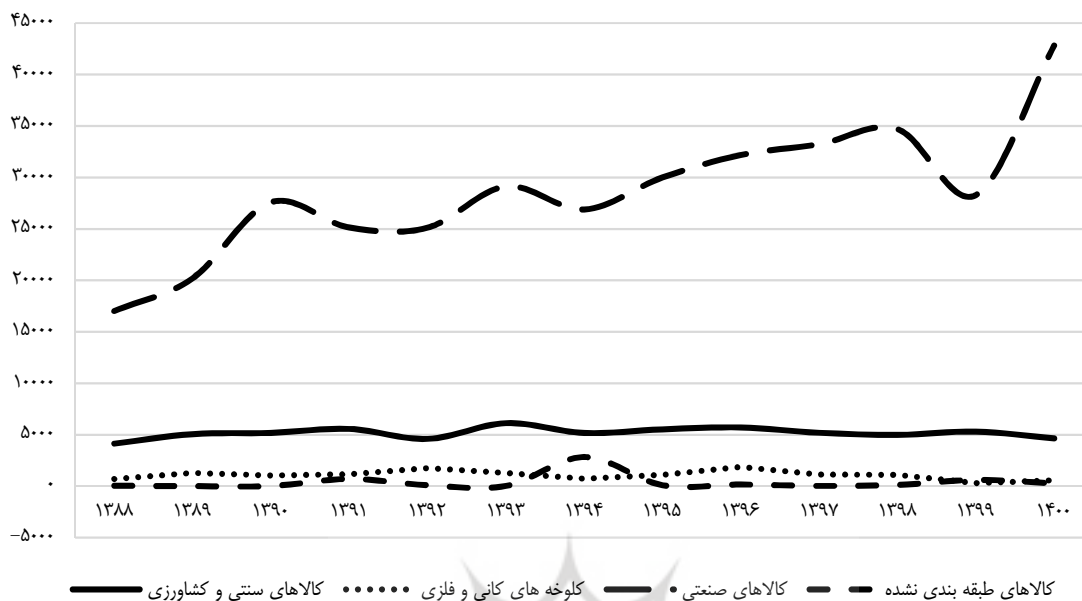
۲-۱- ترکیب صادرات غیرنفتی

در بخش صادرات غیرنفتی شواهد موجود نشان می دهد فاصله صادرات کالاهای تولیدی بخش صنعت با بخش های دیگر بسیار زیاد است (البته به لحاظ میزان مطلق، عدد آن ناچیز است). بر اساس نمودار شماره ۳، تقریباً ۷۸ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی در بخش صنعت صورت می گیرد. صادرات بخش کشاورزی و دیگر کالاهای طبقه بندی نشده نیز به ترتیب حدود ۱۸ و ۱ درصد کل صادرات غیرنفتی را تشکیل می دهد. بنابراین، کالاهای صنعتی بیشترین سهم را در صادرات کالاهای غیرنفتی به خود اختصاص داده اند. صادرات بخش کشاورزی نیز در رتبه ۲ صادرات کالاهای غیرنفتی قرار دارد.

سهم واقعی صادرات غیرنفتی ترسیم کننده مناسب وضعیت صادرات غیرنفتی کشور است؛ زیرا فراورده های حاصل از نفت و گاز مانند گازهای نفتی، هیدروکربورهای نفتی، نفتالین و دیگر مخلوط های هیدروکربورهای بودار و روغن های سبک و دیگر فراورده ها باید در گروه فعالیت های بخش نفت و ذخایر هیدروکربوری طبقه بندی شوند.

همان طور که در جدول و نمودار شماره ۲ ملاحظه می شود، روند صادرات غیرنفتی واقعی در دهه های اخیر روند مطلوبی نیست. این در حالی است که از سال ۱۳۹۶ به بعد، بارها نرخ ارز به طور شایان ملاحظه ای افزایش یافته، اما صادرات غیرنفتی خیلی شتاب نگرفته و سهم آن از کل صادرات افزایش نیافته است. از این رو افزایش های چند سال اخیر صادرات غیرنفتی به گونه ای نبوده است که تداعی کننده شتاب صادراتی باشد؛ البته صرف سهم مقداری به لحاظ ارزش صادرات غیرنفتی ممکن است بر وضعیت

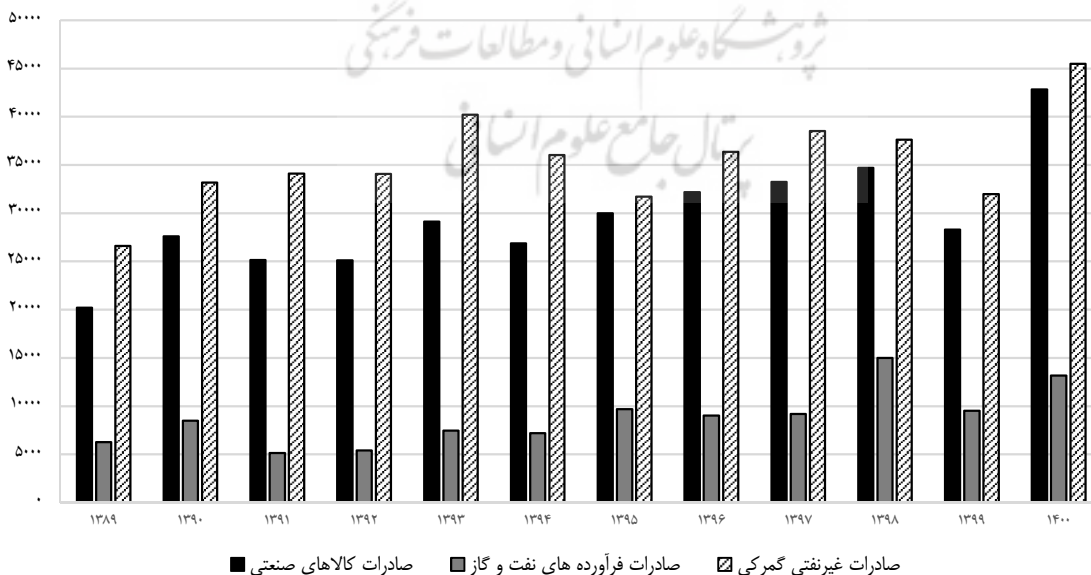
نمودار ۳- روند صادرات کالاهای غیرنفتی در دوره مورد بررسی (میلیون دلار) (۱۳۸۸-۱۴۰۰)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲

جایگاه کالاهای صنعتی به ظاهر حکایت از صادراتی بیان می کند که جایگاه صادرات صنعتی بهبود وضعیت رقابت پذیری فنی و ارتقای به لحاظ رقابت پذیری فنی چندان هم ارتقا نیافته صادرات صنعتی دارد، اما ترکیب کالاهای صنعتی است.

نمودار ۴- ترکیب صادرات کالاهای صنعتی (۱۳۸۹-۱۴۰۰)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲

اقتصاد برزیل، چین، کره جنوبی، مالزی، هند و ترکیه مقایسه شده است. این مقایسه نشان می‌دهد که صادرات کالاهای با فناوری بالا در ایران بسیار محدود است که حکایت از ضعف رقابت پذیری در اقتصاد دارد.

نکته مهم در اینجا این است که ترکیب کالاهای صنعتی صادراتی به گونه‌ای نیست که بیان‌کننده شتاب صادرات صنعتی و صادرات کالاهای با فناوری بالا باشد. طبق گزارش بانک جهانی، صادرات کالاهای با فناوری بالا در اقتصاد ایران با

جدول ۳- ارزش صادرات کالاهای دارای فناوری پیشرفته در ایران و کشورهای منتخب (میلیارد دلار) (۲۰۲۱-۲۰۱۰)

سال	برزیل	چین	ایران	کره جنوبی	مالزی	هند	ترکیه
۲۰۱۰	۸/۱۲۲	۴۰۶/۰۸۹	۰/۵۸۴	۱۲۱/۴۷۸	۵۹/۳۳۲	۱۰/۰۸۶	۱/۷۱۴
۲۰۱۱	۸/۴۱۴	۴۵۷/۱۰۷	۰/۶۵۲	۱۲۲/۰۲۱	۶۱/۱۲۷	۱۲/۸۷۱	۲/۲۲۱
۲۰۱۲	۸/۸۲۰	۵۰۵/۶۴۶	-	۱۲۱/۳۱۲	۶۱/۲۲۹	۱۲/۴۳۴	۲/۳۷۹
۲۰۱۳	۸/۳۹۱	۵۶۰/۰۵۸	۰/۲۷	۱۳۰/۴۶۰	۶۰/۳۷۲	۱۶/۶۹۳	۳/۷۷۷
۲۰۱۴	۸/۷۹	۶۵۳/۸۰	۰/۲۹	۱۴۹/۰۴	۷۰/۹۲	۱۸/۳۲۶	۴/۲۹
۲۰۱۵	۹/۴۳	۶۵۲/۲۱	۰/۲۴	۱۴۷/۰۴	۶۴/۴۵	۱۴/۵۸۱	۳/۸۷
۲۰۱۶	۱/۰۴	۵۹۴/۵۲	۰/۲۵	۱۳۵/۹۰۰	۶۳/۱۹	۱۴/۲۶۱	۳/۴۲
۲۰۱۷	۱/۰۷	۶۵۴/۱۵	۰/۲۷	۱۶۶/۶۵	۷۴/۱۲	۱۵/۱۰۲	۴/۰۷
۲۰۱۸	۱/۱۱	۷۳۱/۳۱	۰/۱۵	۱۹۲/۷۸	۹۰/۴۹	۲۰/۱۸۱	۳/۷۴
۲۰۱۹	۹/۳۹	۷۱۵/۳۰	-	۱۵۳/۵۴	۸۶/۹۰	۲۳/۴۷۰	۴/۲۸
۲۰۲۰	۵/۹۴	۷۵۷/۴۵	-	۱۶۳/۹۸	۹۲/۱۰	۲۱/۵۸۳	۴/۱۷
۲۰۲۱	۶/۳۵	۹۴۲/۳۱	-	-	۱۰۸/۶۸	۲۷/۴۴۶	۵/۷۲

مأخذ: World Bank.

افزایش نرخ ارز قیمت فروش محصول صادراتی برحسب ارزشهای خارجی کاهش می‌یابد و تقاضای آن را افزایش می‌دهد و بنابراین، موجب افزایش صادرات می‌شود و اگر صادرکننده قیمت‌پذیر باشد، دریافت ریالی او از بابت کالاهای صادراتی بیشتر و موجب تشویق صادرات می‌شود، اما پیش‌فرض چنین سازوکاری این است که هیچ‌گونه موانع فنی و نهادی وجود ندارد،

شواهد موجود حاکی است که در کشورهایی مانند چین، مالزی، کره جنوبی تولید محور اصلی است و نوآوری و ابداع و فناوری در اقتصاد نهادینه شده است.

۳- اثر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی

از دید نظری نرخ ارز عامل تأثیرگذار مثبتی بر مقدار صادرات است؛ زیرا اگر صادرکننده قیمت‌گذار باشد، با

صادرات، رشد، ثبات و... کاهش قیمت تمام شده و تورم است نه افزایش نرخ ارز؛ زیرا افزایش نرخ ارز خود در مراحل بعدی افزایش تورم را در پی دارد. از آنجاکه تورم به سرعت خود را در هزینه‌های تولید نشان می‌دهد، محمل و مجرای برای بازتوزیع محصول تولید شده در بخش مولد به نفع عوامل فعال در بخش‌های نامولد می‌شود.

۴- ملاحظات امنیت اقتصادی

نکته بسیار مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تا هنگامی که نیروهای بنیادی اقتصادی مرتبط با بازار ارز و قیمت آن از چنین وضعیت ضعیفی برخوردار است، رها کردن نرخ ارز به این امید که همه کاستی‌ها را درست و رقابت‌پذیری را تأمین کند، تهدیدکننده امنیت اقتصادی است. در چنین شرایطی باید نرخ ارز مدیریت شود و در راستای تقویت نیروهای بنیادی یادشده حرکت کرد و در نهایت هم قدری آن را نسبت به تورم تعدیل کرد. از آنجاکه وضعیت نیروهای بنیادی نامناسب است، رها کردن بازار به حال خود به این امید که نرخ ارز تعادلی علامت‌دهنده و جبران‌کننده همه کاستی‌ها باشد، قطعاً به بی‌ثباتی منجر می‌شود. بنابراین، وضعیت نامناسب نیروهای بنیادی اقتصادی بدون شک یکی از دلایل بی‌ثباتی یادشده است. از سویی، ریسک سرمایه‌گذاری در تولید به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش سود و سلب توان برنامه‌ریزی سرمایه‌گذار به شدت افزایش می‌یابد که موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری می‌شود.

رقابت‌پذیری تأمین است و وابستگی صنایع صادراتی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای خارجی هم محدود است، اما اگر عوامل تأثیرگذار غیرقیمتی مانند بهره‌وری، رقابت‌پذیری و کیفیت استفاده از سرمایه انسانی با مهارت بالا تأمین نباشند، در این صورت متغیر قیمتی نرخ ارز محدود و کم‌اثرگذار است. از همه مهم‌تر اینکه حتی اگر این عوامل تأمین باشد، اما بخش عمده‌ای از تولید و عرضه کل اقتصاد به واردات کالاهای واسطه‌ای سرمایه‌ای و مواد اولیه وابسته باشد، افزایش نرخ ارز اثر محدودکننده بر تولید و صادرات دارد (شاکری، ۱۳۹۱).

بر مبنای شواهد تجربی به دست آمده در قسمت پیش ملاحظه شد ارتقا و شتاب صادرات تنها با افزایش نرخ ارز محقق نمی‌شود و باید عوامل فنی، ساختاری و نهادی آن را فراهم کرد. بنابراین، اثر افزایش نرخ ارز بر صادرات محدود است. وجه دیگر این است که آیا اگر نرخ ارز افزایش نیابد، صادرات صدمه می‌بیند یا خیر؟ به طور کلی، از آنجاکه صادرکنندگان کشور عمدتاً قیمت‌پذیر هستند و قیمت‌های جهانی کالاهای صادراتی یا افزایش نمی‌یابند یا ثابت هستند و در طرف مقابل، هزینه‌های تولید کالاهای صادراتی دست‌کم متناسب با تورم موجود و حتی بیشتر افزایش می‌یابد، حتی صادرکننده دچار زیان و حذف حاشیه سود می‌شود. از این رو باید نرخ ارز را افزایش داد تا دریافتی او متناسب با افزایش هزینه‌ها افزایش یابد. بنابراین، اگر در چنین شرایطی نرخ ارز افزایش نیابد، ممکن است صادرات غیرنفتی از این ناحیه محدود شود و کاهش یابد، اما در اینجا نیز باید توجه داشت که راه‌حل اساسی برای

نااطمینانی بیشتر در اقتصاد دامن می‌زند و فضای اقتصاد را طوری تنظیم می‌کند که جایی برای عنصر کیفیت، تحقیق و توسعه و ابداع و پیشرفت فنی باقی نمی‌گذارد درحالی‌که در اقتصادهایی که تولید محور اصلی است مانند مالزی، کره جنوبی و چین، مسلماً با بالا رفتن نرخ ارز صادرات به‌خوبی واکنش نشان می‌دهد و ارتقا می‌یابد. با ارتقای صادرات، بهره‌وری هم به‌شدت ارتقا می‌یابد و در نتیجه، اثر خالص رفاهی بالا رفتن نرخ ارز در آنجا مثبت و عمده است، اما در اقتصاد ایران از آنجاکه صادرات عمدتاً شامل کالاهای سنتی و کلوخه‌های فلزی و محصولات خام پتروشیمی است، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از یک مجموعه خاص اقتصاد کلان از دیگر بخش‌ها متمایز نیست. عملکرد قیمت‌ها، کمیت و کیفیت نقدینگی، ساختارهای نهادی، سیاست‌گذاری‌ها، فضای کسب‌وکار و وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی همگی با این وضعیت صادرات همخوانی دارند. این وضعیت گویای این است که باید پس از آماده کردن بسترهای لازم، از تغییرات نرخ ارز برای جهش صادرات استفاده کرد.

در جدول زیر توصیه‌های سیاستی برای رسیدن به اهداف یادشده آمده است.

بی‌ثباتی قیمت تمام‌شده کالاهای داخلی نیز یکی از موانع رقابت‌پذیر شدن کالاهای داخلی نسبت به کالاهای خارجی است. بی‌انضباطی مالی، نبود سازمان‌های کارای کار و تولید و سودهای بالای حسابداری (به‌خاطر تأمین هزینه فرصت منابع) همه از عوامل بی‌ثباتی قیمت تمام‌شده است. در این شرایط وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد از آنجاکه فضای تورمی را تشدید می‌کند، هزینه‌های تولید بنگاه‌ها به‌گونه‌ای بالا می‌رود که رقابت برای کالاهای داخلی را از ناحیه افزایش نرخ ارز خنثی می‌کند؛ یعنی افزایش نرخ ارز از طریق تأثیر منفی بر سطح تولید و اشتغال و تأثیر مثبت بر سطح قیمت‌ها موجب کاهش صادرات غیرنفتی خواهد شد؛ زیرا در نگاه نخست تصور می‌شود که با اعمال سیاست افزایش نرخ ارز می‌توان صادرات غیرنفتی را افزایش داد (اثر مستقیم)، اما با در نظر گرفتن آثار غیرمستقیم افزایش نرخ ارز بر دیگر متغیرهای کلان، اثر مستقیم بسیار محدود می‌شود. سخن آخر اینکه، جهش‌های نرخ ارز افزون‌بر ایجاد بی‌ثباتی در فعالیت‌های اصلی و عمده اقتصادی، جامعه را در ابعاد اجتماعی مانند کاهش اعتماد، افزایش فساد و... نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

صادرات با فناوری بالا در اقتصاد ایران تقریباً موضوعیت ندارد. از سوی دیگر، نقدینگی موجود در اقتصاد ایران به‌جای اینکه دنباله‌رو تولید باشد، عمدتاً در خدمت فعالیت‌های نامولد است که به بی‌ثباتی و

ترکیب کالاهای صنعتی صادراتی
به‌گونه‌ای نیست که بیان‌کننده
شتاب صادرات صنعتی و صادرات
کالاهای با فناوری بالا باشد.



توصیه سیاستی	الزامات راهبردی	دستگاه‌های متولی	ملاحظات
(اقدامات کوتاه‌مدت)			
مهار تورم	<ul style="list-style-type: none"> - اجتناب از تغییرات بدون مقدمه قیمت‌های نسبی و کلیدی و افزایش دهنده هزینه‌های تولید - اصلاح نظام توزیع - محدود کردن قدرت قیمت‌گذاری‌های دلخواه 	<ul style="list-style-type: none"> بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی 	تقویت فعالیت‌های مولد و رشد و تضعیف بخش‌های نامولد
(اقدامات میان‌مدت و بلندمدت)			
اهتمام به تولید داخلی	<ul style="list-style-type: none"> - روش تولید در همه کالاها و خدمات حتی کشاورزی، روش مدرن و تولید انبوه باشد - تعامل میان بخش خدمات و بخش تولید، تعاملی سازنده، ضروری و مکمل است. در چهارچوب این تعامل، گسترش صادرات غیرنفتی متنوع و فناورانه آسان خواهد شد 	وزارت صمت	باید تولید محور قرار گیرد. در غیر این صورت دستیابی به صادرات متنوع رقابت‌پذیر دست‌یافتنی نخواهد بود
تولید کالاهای با استانداردهای کیفیتی بالا (و قابل رقابت با تولیدات بین‌المللی)	تدوین قوانین و مقررات تجاری در راستای تسهیل صادرات	وزارت صمت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	الزام بانک‌ها در اعطای تسهیلات با نرخ سود پایین نقش مهمی در کاهش هزینه‌های تولید خواهد داشت؛ البته این تخصیص نیازمند تمرکز بر تولیدات صادرات‌محور است
تدوین و اجرای راهبردهای تجاری	<ul style="list-style-type: none"> - تدوین و اجرای راهبردهای مناسب صنعتی - حمایت و فعال کردن صنایع پایین‌دست در بخش نفت و پتروشیمی (به‌طور مشروط و دقیق) 	وزارتخانه‌های صمت و نفت	جایگزینی واردات به‌طور مبنایی در کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای
شفافیت در نظام بانکی	منوط کردن هر نوع فعالیت بانکی به ارتباط منطقی آن با مقتضیات رشد و توسعه و تولید و پرهیز از ایجاد ارزش‌افزوده‌های پولی و مالی بدون مابه‌ازای حقیقی	بانک مرکزی	محدود کردن گستره کمی بانک‌ها و رعایت تناسب حجم آن‌ها با نیازهای معاملات بخش حقیقی و اندازه مقیاس درآمدی و تولیدی کشور
شکل‌گیری رقابت‌پذیری فنی	<ul style="list-style-type: none"> - تولید مبتنی بر نوآوری و فناوری‌های بالا و متوسط - درونی شدن تحقیق و توسعه در بنگاه‌ها - قوت و قدرت تولید و طرف عرضه اقتصاد - توسعه صنعتی و برخوردار از صنعت ماشین‌سازی - وجود صنایع پایین‌دستی نسبتاً قوی در کنار صنایع مادر 	وزارت صمت	<ul style="list-style-type: none"> - تأمین حقوق مالکیت و نظام اداری و گمرک پاک، شفاف و تسهیل‌کننده - سازمان‌ها و صنوف تجاری کارآمد، به‌روز، خدمات‌دهنده و مکمل تولید - نظام پاداش‌دهی مناسب و قواعد بازی منطقی - اختصاص درآمد حاصل از تولید به عوامل آن
محدود کردن فعالیت‌های بخش نامولد	باید با ابزارهای قانونی مالیات و ایجاد زمینه‌های فرهنگی گستره فعالیت‌های نامولد را محدود کرد		سیاست‌گذاری‌هایی که اثر مخرب بخش نامولد را لحاظ نکنند، راه به جایی نمی‌برند و مشکلات گذشته به‌طور شدیدتر بازتولید خواهد شد

منابع

- شاکری، عباس (۱۳۹۱). نظام ارزی موجود و اقتصاد کلان؛ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. داده‌ها و اطلاعات آماری (<https://cbi.ir/>).

